

دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال سبت ویم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)

۷۲



- تصحیح و توضیح مصرع‌های از داستان رستم و سهراب / سجّاد آیدنلو / ۵
- اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن / گلپز نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی / ۳۵
- جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید» ... / حنّانه سادات زهرائی و مهدی مجتهدی / ۶۷
- آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران / محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی / ۹۱
- نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسری» / اکبر حیدریان / ۱۰۹
- نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه‌شعوب فردوسی ... / محمدصادق خاتمی و نجف جوکار / ۱۲۷
- پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف» / سجّاد حبیبی و هادی نصیری / ۱۴۹
- جُستاری در هویت «شیخ بحر پارس» / سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده / ۱۷۳
- ووستنفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابومخنف / انیس وحید / ۱۸۱
- بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند / فاطمه فیاض / ۲۰۱



شماره استاندارد بین‌المللی
۱۵۶۱-۹۴۰۰

آینه میراث

دوفصل‌نامه علمی ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال بیست‌ویکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)
دارای مجوز علمی - پژوهشی به استناد نامه ۳/۱۸/۴۴۱۴۶ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۸
از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول: اکبر ایرانی
سرمدیر: مجدالدین کیوانی
مدیر داخلی: یونس تسلیمی‌پاک

هیئت تحریریه

محمدعلی آذرشب (استاد دانشگاه تهران)، نجفقلی حبیبی (دانشیار دانشگاه تهران)، اصغر دادبه (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، علی رواقی (استاد دانشگاه تهران)، علی‌اشرف صادقی (استاد دانشگاه تهران)، حامد صدقی (استاد دانشگاه خوارزمی)، منصور صفت‌گل (استاد دانشگاه تهران)، محمود عابدی (استاد دانشگاه خوارزمی)، حبیب‌الله عظیمی (استادیار پژوهشی کتابخانه ملی)

مشاوران علمی

سیدعلی آل‌داود، پرویز اذکابی، محمود امیدسالار (آمریکا)، اکبر ثبوت، جمیل رجب (کانادا)، هاشم رجب‌زاده (ژاپن)، محمد روشن، فرانسیس ریشار (فرانسه)، پاول لوفت (انگلستان)، عارف نوشاهی (پاکستان)، یان یوست ویتکام (هلند)

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ: میراث

* این مجله در پایگاه مجلات تخصصی نورمگز (www.noormags.ir)، بانک اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.ir)، پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا (www.islamicdatabank.com)، پایگاه مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (www.ricet.ac.ir)، و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (www.isc.gov.ir) نمایه می‌شود.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه ۲، واحد ۹

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۰۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۰۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

سامانه ارسال مقالات: www.am-journal.ir

ایمیل نشریه: ayenemiras@mirasmaktoob.ir

بها: ۷۰۰۰۰ تومان

فهرست

- تصحیح و توضیح مصرعی از داستان رستم و سهراب/ سجّاد آیدیلو ۵
- اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن/ گلبر نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی ۳۵
- جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید».../ حنّانه سادات زهرانی و مهدی مجتهدی ۶۷
- آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران/ محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی ۹۱
- نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسری»/ اکبر حیدریان ۱۰۹
- نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه شعیب فردوسی.../ محمدصادق خاتمی و نجف جوکار ۱۲۷
- پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف»/ سجّاد حبیبی و هادی نصیری ۱۴۹
- جستاری در هویت «شیخ بحر پارس»/ سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده ۱۷۳
- ووستفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابو مخنف/ انیس وحید ۱۸۱
- بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند/ فاطمه فیاض ۲۰۱
- چکیده انگلیسی/ مجدالدین کیوانی 3

جست و جوی خطبه‌های توحیدی نهج البلاغه در «کتاب التوحید» قاضی نعمان

حنا سادات زهرائی*

مهدی مجتهدی**

چکیده

شریف رضی (د. ۴۰۶ق) در نهج البلاغه، شواهدی از سخنان بلیغ حضرت علی (ع) را گردآوری کرده و چون خود را ملزم به ذکر سند و منبع نمی‌دانسته، به جز موارد بسیار معدودی (حدود ۱۷ مورد)، از منبعی یاد نکرده است. در دوران معاصر، با وجود پژوهش‌های متعدد در بررسی اسناد و مصادر نهج البلاغه، هنوز راه زیادی برای تکمیل آن در پیش است. یکی از کارهای مهم در این زمینه، شناسایی و تصحیح نسخه‌های خطی مربوط است که به تازگی توسط محققان صورت گرفته است. کتاب التوحید اثر قاضی نعمان مغربی (د. ۳۶۳ق) نمونه‌ای از این کارهاست.

در پژوهش حاضر، ضمن معرفی اجمالی قاضی نعمان و کتاب التوحید و اهمیت آن، با بررسی مقایسه‌ای، بخش‌هایی از نهج البلاغه که در این منبع کهن‌تر قابل ردیابی بوده، شناسایی شده است. از آنجا که شریف رضی فقط بخش‌هایی را از متون مورد مراجعه خود گزینش می‌کرده است، این پژوهش گامی در جهت بازیابی آن متون محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: کتاب التوحید، قاضی نعمان، نهج البلاغه، سید رضی، اسماعیلیه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۱۶

* کارشناس ارشد نهج البلاغه و پژوهشگر کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین علی (ع)، مشهد/

sh.zahrae@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)/

mmojtahedi@um.ac.ir

مقدمه

نهج البلاغه مشهورترین اثری است که سخنان امیرالمؤمنین^(ع) در آن گرد آمده و در هزار سال گذشته مورد توجه محققان زیادی بوده است. یکی از عرصه‌های مطالعات نهج البلاغه بررسی مصادر و منابع سخنان حضرت پیش از گردآوری نهج البلاغه است، فارغ از این که منابع پیشین مستقیم یا غیرمستقیم در دسترس مؤلف آن، سید رضی، بوده است یا نه. این مطالعات اولاً پاسخی است به ادعای برخی از نویسندگان مبنی بر اینکه سید رضی خود این سخنان را انشاء کرده است، و از سوی دیگر اصالت این اثر با یافتن منابع کهن‌تر بیشتر تقویت می‌شود. نکته‌ای که از دیدگاه محققان پوشیده نیست و در مطالعات مصادر نهج البلاغه تبیین می‌شود، دستیابی به الگوی سید رضی در گزینش مطالب اثر خویش است؛ به این معنی که با یافتن منابع پیش از نهج البلاغه و مقایسه عبارات آن با گزینش‌های مؤلف نهج البلاغه، روش سید رضی در انتخاب بخش‌هایی از منابع و واگذاشتن دیگر بخش‌ها قابل شناسایی خواهد بود. در پژوهش حاضر با توجه به چنین رویکردی، بخش‌هایی از خطبه‌های توحیدی نهج البلاغه در کتاب التوحید قاضی نعمان مغربی پی‌جویی شده است.

قاضی نعمان، محدث و فقیه اسماعیلی، از معاصران کلینی و صدوق است و به جهت قدمت، آثار حدیثی او شایان توجه است. کتاب التوحید، که مدتی است نسخه‌های خطی آن در دسترس قرار گرفته و به تازگی تصحیح و منتشر شده، از کتاب‌هایی است که می‌تواند تا حدودی اطلاعات ما را درباره سخنان حضرت علی^(ع) تکمیل کند. این مقاله در پی آن است که با بررسی متن کتاب التوحید و مقایسه آن با نهج البلاغه، جایگاه این کتاب در منظومه سخنان علوی با موضوع توحید را روشن کند و به این سؤال پاسخ دهد که آیا می‌توان کتاب التوحید قاضی نعمان را - فارغ از این که سید رضی به این کتاب دسترسی داشته یا نه - به‌عنوان یکی از مصادر نهج البلاغه مورد توجه قرار داد؟ پاسخ این پرسش‌ها می‌تواند تلاش‌های محققان مصادر نهج البلاغه را یک گام به پیش ببرد.^۱

۱. سامان‌یافتن این پژوهش مرهون بهره‌مندی از منابع موجود در کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین علی^(ع) مشهد است. نویسندگان مراتب قدردانی خود را از زحماتی که نزدیک به ربع قرن برای تأسیس و تکمیل این مجموعه غیرانتفاعی صرف شده است اعلام می‌دارند.

پیشینه پژوهش

کتاب التوحید قاضی نعمان به‌تازگی تصحیح شده، ولذا تا کنون مقاله‌ای درباره‌ی این کتاب منتشر نشده است، گرچه مقالاتی درباره‌ی زندگی، مذهب، عقاید و آثار قاضی نعمان موجود است. برای نمونه مفصل‌ترین پژوهش در این زمینه‌ها با نام «قاضی نعمان و مذهب او» نوشته شده که به‌طور مفصل به بررسی زندگی قاضی نعمان و اثبات اسماعیلی مذهب بودن وی پرداخته است. این پژوهش درباره‌ی موضوعاتی از قبیل: موقعیت علمی قاضی نعمان، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و نیز خدمات فرهنگی او، معرفی اجمالی چند اثر از تألیفات مهم قاضی نعمان، سیر تاریخی زندگی وی، و مؤیدات و شواهد اثنا عشری نبودن این فقیه اسماعیلی پرداخته است (جوان آراسته، ۱۳۸۷: ۴۷-۸۲).

مقاله دیگری نیز با عنوان «سیر تاریخی توجه عالمان امامیه به آثار قاضی نعمان با تأکید بر روزگار پیش از صفویه» نوشته شده است. در این مقاله جایگاه قاضی نعمان در میان عالمان امامی مذهب، و سیر تاریخی توجه عالمان امامیه به آثار قاضی نعمان، به ویژه در روزگار پیش از صفویه، بررسی شده است. قاضی نعمان و آثارش شهرتی در میان امامیان نداشته و تا پیش از صفویان محدود آثاری که از او در میان بخشی از آثار امامی به یادگار مانده، به احتمال، حاصل ارتباط مؤلفان آن‌ها با مصر و شام است. از روزگار صفویه به راهبایی برخی از آثار قاضی نعمان - به‌ویژه دعائم - به بحار الانوار، برای نخستین بار توجه جدی عالمان امامیه به او و آثارش آغاز می‌شود (عافی خراسانی، ۱۴۰۰: ۲۳-۴۶).

مقاله‌ای نیز به‌تازگی با عنوان «سیر تاریخی آثار قاضی نعمان (بخش نخست)» ترجمه و منتشر شده است. در این مقاله از پژوهش‌های مهمی سخن رفته که با تکیه بر برخی کتاب‌های قاضی نعمان، به رشته‌های علمی خاصی مانند اصول فقه، تفسیر و تاریخ پرداخته‌اند (پوناوالا، ۱۴۰۱: ۷). همان‌طور که گفته شد، در هیچ کدام از نوشته‌های فوق به کتاب التوحید او اشاره نشده است.

قاضی نعمان مغربی

ابوحنیفه محمد بن نعمان (د. ۳۶۳ق)، معروف به قاضی نعمان، را می‌توان پایه‌گذار فقه اسماعیلی و بزرگ‌ترین فقیه در همه ادوار اسماعیلیه دانست. شخصیت برجسته، تألیفات

فراوان و تأثیرگذاری عمیق او بر اسماعیلیه و همچنین خدمات بی‌بدیل وی به این مذهب، از او چهره‌ای پرفروغ ساخته است. بزرگان اسماعیلیه همیشه از قاضی نعمان با احترام یاد کرده‌اند و هنوز هم کتاب‌های او در میان گروه‌هایی از اسماعیلیه رواج دارد (نک. جوان آراسته، ۱۳۸۷: ۴۷). پدر قاضی نعمان عمری طولانی داشته و اهل علم و فضل بوده و روایات بسیاری را از حفظ داشته است (ابن خلکان، ۱۹۹۴: ۴۱۶/۵). پوناوالا، پس از بررسی اقوال مختلف، حدود سال ۲۸۳ق را به‌عنوان تاریخ ولادت وی ترجیح داده است (پوناوالا، ۱۴۰۱: ۱۳).

فهرست‌نگاران و شرح‌حال‌نویسان نخستین امامیه مانند نجاشی (د. ۴۵۰ق) و طوسی (د. ۴۶۰ق) در کتاب‌های رجال خود هیچ اشاره‌ای به قاضی نعمان نکرده‌اند. شاید به این سبب که از آثار وی باخبر نبوده‌اند و یا چون در آن هنگام هنوز هیچ نشانی از امامی مذهب بودن قاضی وجود نداشته است (پوناوالا، ۱۴۰۱: ۷). ابن شهر آشوب نخستین مؤلف امامی مذهب است که در فهرست خود نام قاضی نعمان را آورده، اما تأکید می‌کند که او امامی نیست (ابن شهر آشوب، ۱۴۳۳: ۲۲۷). ابن خلکان قدیمی‌ترین نویسنده سنی است که می‌نویسد قاضی نعمان نخست مالکی مذهب بود و سپس به مذهب امامیه گرویده است (ابن خلکان، ۱۹۹۴: ۴۱۵/۵). تاریخ‌دان مصری، ابن تغری بردی (د. ۸۷۴ق) می‌گوید قاضی ابتدا حنفی بود و سپس باطنی (اسماعیلی) شد (ابن تغری بردی، بی‌تا: ۱۰۶/۴-۱۰۷) که البته بخش نخست قول او نمی‌تواند درست باشد و چه بسا کنیه او (ابوحنیفه) موجب چنین تصویری شده است. لذا نظر ابن خلکان درباره مالکی مذهب بودن قاضی - که با مذهب رایج در مغرب همخوانی دارد - ارجح است. با این همه پوناوالا معتقد است که ابن خلکان در این باره به خطا رفته و این پدر قاضی بوده که مذهب خود را از مالکی تغییر داده است (پوناوالا، ۱۴۰۱: ۱۳).

در منابع اسماعیلی، درباره اوان زندگی و تحصیل قاضی نعمان، چیزی گفته نشده، جز این که او دانش خود را از سرچشمه امامانشان گرفته و در نتیجه او یکی از ارکان دعوت آن‌ها بوده است. از همین روست که آنان اعتنای چندانی به ابهامات درباره گرایش‌های اولیه وی

ندارند، و به‌طور کلی منابع اسماعیلی به‌ندرت اطلاعاتی درباره‌ی زندگی نامه‌ی داعیان خود ارائه می‌دهند (پوناوالا، ۱۴۰۱: ۸).

نعمان در تاریخ اسماعیلیه با عنوان «سیدنا»، «قاضی القضاة» و «داعی الدعاة» شناخته شده و گاهی نیز تاریخ‌نگاران نام او را به‌اختصار «قاضی نعمان» ذکر کرده‌اند تا از ابوحنیفه معروف سنی متمایز گردد. ابن‌خلکان و مؤلفان شیعه اثناعشری به او «ابوحنیفه شیعی» گفته‌اند. وی از ابتدای حکومت فاطمیان همراه آنان بود و به‌جز منصب قاضی‌القضاتی مناصبی هم در حکومت فاطمیان داشت. او چهار خلیفه فاطمی را درک و برای همه آن‌ها در مناصب متعدد خدمتگزاری کرد (فیضی، ۱۳۸۳: ۱۱).

قاضی نعمان در سال ۳۶۳ق در قاهره وفات یافت و معز فاطمی، چهارمین خلیفه اسماعیلی، بر پیکر او نماز خواند (ابن‌خلکان، ۱۹۹۴: ۴۱۶/۵؛ فیضی، ۱۳۸۳: ۱۱) و در باب سلم (یکی از ابواب قیروان) به خاک سپرده شد (ابن‌خلکان، ۱۹۹۴: ۴۱۶/۵). از قاضی نعمان، با توجه به مناصبی که داشته، آثار فراوانی، در فقه، تاریخ، تأویل، عقاید، وعظ و ردیه بر مخالفان بر جای مانده است. پژوهشگران حوزه اسماعیلیه آثار وی را به‌صورت‌های مختلفی دسته‌بندی کرده‌اند. کامل‌ترین فهرست آثار او را پوناوالا تهیه کرده که ۶۲ عنوان را نشان می‌دهد (نک. Poonawala, 1977: 51-68).

«کتاب التوحید» قاضی نعمان

۱. اهمیت کتاب

کتاب التوحید به‌تازگی با مقدمه و تصحیح محمد مهدی غفوری شم‌آبادی منتشر شده است. این کتاب شامل احادیثی بلند از امیرالمؤمنین^(ع) است و می‌توان آن را یکی از منابع مکتوب احادیث اهل بیت^(ع) شمرد. نهج‌البلاغه یکی از آثاری است که سخنان امام علی^(ع) در آن گردآمده و از آن‌جا که تردیدهایی درباره‌ی صحت انتساب برخی از مطالب آن مطرح است، یکی از روش‌های علمی برای حل این مشکل، استناد به آثاری است که کلمات امام را قبل از سید رضی نقل کرده‌اند و کتاب التوحید یکی از این منابع است. مؤلف آن هم‌عصر علما

و محدثانی چون کلینی، صدوق و مفید بوده است که آثارشان از منابع اصیل در حدیث امامیه محسوب می‌شوند.

کتاب التوحید از این جهت که می‌تواند کتابی کلامی محسوب شود نیز اهمیت دارد. علمای مسلمان و به‌ویژه عالمان شیعه اعم از امامیه، زیدیه و اسماعیلیه، برای جمع‌آوری سخنان اهل بیت^(ع) تلاش‌های زیادی کرده‌اند. کتاب التوحید از آن جهت که می‌تواند مکملی بر کتاب‌های علمای امامیه باشد هم قابل توجه است و بنابراین، احیای آن حائز اهمیت است (نک. غفوری، ۱۴۴۴ق: ۶۰-۶۱).

۲. انتساب کتاب به قاضی نعمان

اسماعیلیه نسبت به دسترسی عامه مردم به علوم قائل به پنهان‌کاری و رده‌بندی بودند و به همین سبب آثار بسیار معدودی از میراث و منابع اطلاعاتی آن‌ها بر جای مانده است. به تعبیر دیگر، چون مراتب و سطوح مختلفی برای کتاب‌ها تعیین می‌شده، افراد با توجه به مرتبه خود مجاز به خواندن کتاب‌ها بودند و هرکس که در مرتبه پایین‌تر از کتابی خاص بود اجازه خواندن آن را نداشت. این موضوع سبب شده بود که هر کتاب مخصوص به افرادی خاص در میان این جماعت باشد و چون همه کتاب‌ها در دسترس همه مردم نبود، حفظ آن‌ها با مشکلاتی مواجه شود.

کتاب التوحید قاضی نعمان مغربی هم از این قاعده مستثنا نیست، چنان‌که ناسخ در آخر نسخه (تصویر ۲) نوشته است: «ولا یقرأ هذا الكتاب إلا بإذن صاحب الأمر والدعوة الهادية، وإلا حرامٌ غیر جائز النظر» (قاضی نعمان، ۱۴۴۴ق: ۳۴۷)؛ در نتیجه هرکس که می‌خواست این کتاب را بخواند باید با اجازه استاد یا داعی باشد، و الا حتی حق نگاه کردن به آن را هم نداشت.

یکی از راه‌های اثبات انتساب کتاب شواهد بیرونی است؛ یعنی انتساب کتاب از سوی افرادی که در زمان‌های مختلف آن را دیده یا از آن نقل کرده‌اند، تأیید شود. اسماعیل مجدوع کتابی موسوم به «فهرسة مجدوع» دارد که آثار اسماعیلی را در آن فهرست کرده است. او کتاب التوحید را دیده و درباره آن گفته است:

کتاب التوحید از سید ما قاضی نعمان بن محمد است. آنچه این کتاب توضیح داده در اثبات حقیقت توحید و نفی تشبیه و صفات از خدایی است که شریکی ندارد. در این کتاب به الفاظ و پیچیدگی‌های معانی آن‌ها به صورت علمی پرداخته شده است. پس از جمع‌آوری کتاب، مؤلف آن را به حاکم زمان خود که دستور گردآوری‌اش را داده بود، نشان داده و بعد از تصحیح، دستور به نشر آن داده است (مجدوع، ۱۳۴۴: ۱۱۱-۱۱۲).

پوناوالا در فهرستی که از آثار قاضی نعمان به دست داده، از کتاب التوحید (اثر شماره ۴۴ در فهرست) نام برده و چهار نسخه از کتاب را معرفی کرده که عناوین برخی از آن‌ها اختلافاتی با یکدیگر دارند: «التوحید فی شرح خطبة أمير المؤمنين»، «کتاب التوحید فی شرح الخطب لمولانا أمير المؤمنين» و «کتاب التوحید» (نک. Poonawala, 1977: 66).

او می‌گوید که به‌رغم توصیف کامل مجدوع (مجدوع، ۱۳۴۴: ۱۱۱-۱۱۲)، ایوانف در کتاب خود، راهنمای ادبیات اسماعیلی^۱، آن را با کتاب دیگری با عنوان «کتاب فی الإمامة»^۲ اشتباه گرفته است (Ivanow, 1933: 39) و به نقل از کراوس (Kraus, 1932: 487) نوشته است که ایوانف اساساً در کتاب بررسی کتاب‌شناختی ادبیات اسماعیلی^۳ خود، آن را از قلم انداخته است (Poonawala, 1977: 66). البته این توضیح دقیق به نظر نمی‌رسد، زیرا ایوانف کتاب را با عنوان «کتاب التوحید فی شرح خطبة أمير المؤمنين» (اثر شماره ۴۲۳ در کتاب، در ذیل پیوست دوم) آورده است (Ivanow, 1963: 99). مطلب ابهام‌برانگیز در پیوست دوم اثر ایوانف این است که در آن، به ترتیب الفبایی، نام کتاب‌هایی آمده که از نظر ایوانف نه نویسندگان، و نه تاریخ تألیف آن‌ها مشخص نیست.

۳. محتوای کتاب

پس از مقدمه کوتاه قاضی نعمان، هشت خطبه توحیدی از امیرالمومنین^(ع) آمده است و بعد از اتمام متن هر خطبه، شرح قاضی آغاز می‌شود. مشخصات هر خطبه و عبارات آغازین هر

1. A guide to Ismaili literature.

۲. نک. Poonawala, 1977: 62: پوناوالا از این کتاب به‌عنوان اثری جامع یاد کرده در چهار جلد، که قاضی نعمان در شرح الأخبار (۱۱۷/۲) از آن نام برده و به آن ارجاع داده است.

3. Ismaili Literature: A Bibliographical Survey.

یک به این شرح است:

خطبه اول: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْقَدِيمِ الدَّائِمِ، الْحَيِّ الْأَحَدِ، الْوَاحِدِ الصَّمَدِ...». پس از اتمام شرح خطبه، روایتی در باب توحید از امام سجاده^(ع) نقل شده است؛
 خطبه دوم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الْأَرْوَاحَ وَالْأَجْسَامَ...»؛
 خطبه سوم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تُدْرِكُهُ الشَّوَاهِدُ، وَلَا تَحْوِيهِ الْمَشَاهِدُ...»؛
 خطبه چهارم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَاتَتْ عَظَمَتُهُ الْوَصْفَ وَالتَّقْدِيرَ، فَلَيْسَ لَهُ كُفُوٌ وَلَا شَبَهُ وَلَا نَظِيرٌ...»؛

خطبه پنجم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ ذِي الْأُلُوْهِيَّةِ وَالْوَحْدَانِيَّةِ، الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ مِنْ غَيْرِ رَوِيَّةٍ...»؛
 خطبه ششم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الدَّائِمِ الْقَدِيمِ الَّذِي لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ إِلَى غَيْرِ نِهَائَةٍ...»؛
 خطبه هفتم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَوَحَّدَ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَتَفَرَّدَ بِالْأُلُوْهِيَّةِ...»؛
 خطبه هشتم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُعْوِزُهُ الْمَنْعُ، وَلَا يُكْدِيهِ الْإِعْطَاءُ...».

۴. درباره سبک کتاب و افتادگی آخر متن

برای نشان دادن سبک قاضی نعمان در شرح خطبه‌ها، متن خطبه هشتم برای نمونه در اینجا نقل می‌شود. زیر عباراتی که قاضی پس از نقل متن خطبه به شرح آن پرداخته خط کشیده شده است، تا نشان داده شود که او تنها به برخی از کلمات و عبارات توجه داشته و قصدی برای شرح یک‌یک واژه‌ها نداشته است.

«وهذا أيضاً توحيد لأمير المؤمنين علي صلوات الله عليه

روي عنه عليه السلام أن رجلاً أتاه، فقال له: يا أمير المؤمنين! هل تصف لنا ربنا؟ فتغير وجهه عليه السلام، ثم قام فرقى المنبر، فقال:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُعْوِزُهُ الْمَنْعُ، وَلَا يُكْدِيهِ الْإِعْطَاءُ، هُوَ الْعَوَّادُ بِعَوَائِدِ النَّعْمِ وَمَوَادِّ الْمَزِيدِ، قَدْ ضَمِنَ أَقْوَاتَ الْخَلْقِ، وَقَسَمَ مَقَادِيرَ الرِّزْقِ، لَيْسَ بِمَا سُئِلَ فِيهِ بِأَجْوَدَ مِنْهُ بِمَا لَمْ يُسْتَلْ عَنْهُ، وَهَبَ لِعِبَادِهِ مِمَّا تَنَفَّسَتْ عَنْهُ مَعَادِنُ الْجِبَالِ، وَضَحِكَتْ عَنْهُ أَصْدَافُ الْبِحَارِ مِنْ فِلْدِ الثَّبْرِ وَاللُّجَيْنِ وَالْعَقِيَانِ، وَنُثَارَةُ الدَّرِّ وَحَصِيدِ الْمَرْجَانِ، مَا لَمْ يُؤَثِّرْ فِي وُجُودِهِ وَلَا نَقَصَ مِنْ سَعَةِ مَا عِنْدَهُ، بَلْ عِنْدَهُ مِنْ دَخَائِرِ الْإِفْضَالِ مَا لَا تُنْفِذُهُ مَطَالِبُ السُّؤَالِ.

الْأَوَّلُ مِنْ غَيْرِ تَشْبِيهِ، وَالْكَائِنُ مِنْ غَيْرِ تَكْوِينٍ، وَالْمَوْصُوفُ بِغَيْرِ تَحْدِيدٍ،

وَالْوَّاحِدُ بِلَا مَثْنَوِيَّةٍ، وَالْمَوْجُودُ بِغَيْرِ حَاسَّةٍ وَلَا رُؤْيِيَّةٍ، خَلَقَ الْخَلْقَ بِحِكْمَتِهِ،
وَاسْتَعْبَدَ الْأَرْبَابَ بِقُوَّتِهِ، وَسَادَ الْعُظَمَاءَ بِعَظَمَتِهِ، وَتَسَمَّى الْجَبَّارُ بِجَبْرُوتِهِ،
وَاصْطَفَى الْكِبْرِيَاءَ وَالْمَجْدَ وَالْفَخْرَ لِنَفْسِهِ، وَخَشَعَتِ الْأَبْصَارُ وَالْأَصْوَاتُ
لِهَيْبَتِهِ، وَوَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِهِ، وَعَفَرَتِ الْوُجُوهُ لِجَلَالَتِهِ، وَأَرَعَدَتِ
الْفَرَائِصُ مِنْ مَخَافَتِهِ، وَأَذَعَتِ الْمُلُوكُ وَالْجَبَابِرَةُ وَجَمِيعُ الْخَلَائِقِ لِسُلْطَانِهِ.

ذَلِكَ اللَّهُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ دَائِمًا قَائِمًا بِلَا تَحْدِيدٍ وَلَا تَمَثِيلٍ، مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَوَارِثُهُ
وَكَالِيهِ وَرَازِقُهُ، الَّذِي «اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ»، «فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ
سَمَاوَاتٍ» «وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا»، وَبَسَطَ الْأَرْضَ وَأَرَسَى جِبَالَهَا،
وَخَدَّ أَوْدِيَّتَهَا وَفَجَّرَ عُيُونَهَا، وَسَهَّلَ سُبُلَهَا وَشَقَّ أَنْهَارَهَا، وَرَفَعَ أَطْوَادَهَا
وَأَكَامَهَا، وَأَنْبَتَ فِيهَا تَبَاتُهَا وَأَشْجَارَهَا، وَأَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا، وَسَخَّرَ
فِيهَا لِمَغَائِضِهَا بِحَارَهَا، وَأَجْرَى الْمُنَشَّاتِ كَالْأَعْلَامِ، فِيهَا تَحْمَلُ أَجْسَامُ الْأَنْامِ
وَمَا قُدِّرَ لَهُمْ مِنَ الْأَقْسَامِ، وَجَعَلَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَتَيْنِ تَخْتَلِفَانِ، تَبْلِيَانِ كُلَّ
جَدِيدٍ وَتُقَرَّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ.

أَسَكَنَ الدُّنْيَا خَلْقَهُ وَبَعَثَ إِلَيْهِمْ فِيهَا رُسُلَهُ؛ لِيَكْشِفُوا لَهُمْ عَن غِطَائِهَا،
وَيُحَذِّرُوهُمْ فَنَاهَا، وَيَضْرِبُوا لَهُمْ أَمْثَالَهَا، وَيُبَصِّرُوهُمْ عُيُوبَهَا، وَيَحْتَجُّوا
عَلَيْهِمْ بِحُجَجِهِ لِنَلَّا يَكُونُ لَهُمْ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ؛ إِعْدَارًا إِلَيْهِمْ، وَإِنْذَارًا بِالْوَعْدِ
وَالْوَعِيدِ، وَإِعْلَامًا مِنْهُ لَهُمْ أَنَّهُ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ.

أَحْصَى آثَارَهُمْ، وَقَدَّرَ أَعْمَارَهُمْ، وَعَلَّمَ الْفَاعِلِينَ، وَعَدَّدَ أَنْفُسَهُمْ وَخَائِنَةَ أَعْيُنِهِمْ
وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ وَمُسْتَقَرَّهُمْ وَمُسْتَوْدَعَهُمْ؛ خَلَقَ مَا خَلَقَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ
امْتَلَأَهُ، وَلَا مِقْدَارٍ احْتَدَى عَلَيْهِ مِنْ خَالِقٍ كَانَ قَبْلَهُ، أَرَانَا مِنْ مَلَكُوتِ قُدْرَتِهِ
وَعَجَائِبِ آثَارِ حِكْمَتِهِ مَا دَلَّنَا بِهِ عَلَى مَعْرِفَتِهِ.

لَا تُحِيطُ بِهِ الصِّفَاتُ فَيَكُونُ بِإِدْرَاكِهَا إِيَّاهُ بِالْحُدُودِ مُتْنَاهِيًا، وَمَا زَالَ - إِذْ هُوَ اللَّهُ
الَّذِي (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ) - عَنِ صِفَةِ الْمَخْلُوقِينَ مُتَعَالِيًا، قَدْ انْحَسَرَتْ عَنِ أَنْ
تَنَالَهُ الْأَبْصَارُ فَيَكُونُ بِالْعَيَانِ وَالْأَدْوَاتِ عِنْدَ خَلْقِهِ مَعْرُوفًا، بَلْ فَاتَ بِعُلُوِّهِ عَلَى

الأشياء مَوَاقِعَ رَجْمِ الْمُتَوَهِّمِينَ، وَارْتَفَعَ عَنِ أَنْ تَحْوِي كُنْهَ عَظَمَتِهِ رَوِيَّاتِ الْمُتَفَكِّرِينَ، لَيْسَ لَهُ مِثْلٌ فَيَكُونُ بِالْخَلْقِ مُشَبَّهًا، وَمَا زَالَ عِنْدَ أَهْلِ الْمَعْرِفَةِ بِهِ عَنِ الْأَشْبَاهِ وَالْأَنْدَادِ مُنْزَهًا.

كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ إِذْ شَبَّهُوهُ بِخَلْقِهِ، وَحَلَّوهُ بِحُلِيِّ عِبَادِهِ بِأَوْهَامِهِمْ، وَكَيْفَ يَكُونُ مَنْ لَا يَقْدِرُ قَدْرَهُ مُقَدَّرًا فِي رَوِيَّاتِ الْأَوْهَامِ، وَقَدْ ضَلَّتْ فِي إِدْرَاكِ كُنْهِهِ هَوَاجِسُ الْأَنَامِ، هُوَ أَجَلٌ مِنْ أَنْ تَحُدَّهُ أَلْبَابُ الْبَشَرِ بِالتَّفَكِيرِ، أَوْ أَنْ يُمَثَّلَ بِمِثْلِ أَوْ يُشَبَّهَ بِنَظِيرٍ.

أَيُّهَا السَّائِلُ! اعْقِلْ مَا سَمِعْتَهُ مِنِّي، وَلَا تَسْأَلْ أَحَدًا عَنِ مِثْلِ مَا سَأَلْتَنِي عَنْهُ مِنْ بَعْدِي، فَتَدْخُلَ عَلَيْكَ الشُّبْهَةُ، وَتَسْتَوِلِي عَلَيْكَ الْحَيْرَةُ، وَتَكْتَنِفَكَ أَسْبَابُ الضَّلَالَةِ، فَقَدْ كَفَيْتِكَ مَوْوَنَةَ الطَّلَبِ، وَسَهَلْتُ لَكَ الْبُغْيَةَ وَالسَّبَبَ، وَحَمَلْتُ عَنْكَ نَشْدَةَ التَّعَمُّقِ فِي الْمَذْهَبِ، تَحْمِلُ مِنْ جَوَابِ مَا سَأَلْتَ عَنْهُ كَافِيَةً شَافِيَةً. وَاعْلَمْ أَنَّ مَا سَوَى ذَلِكَ مِمَّا سَأَلْتَنِي عَنْهُ، وَذَهَبَ وَهَمُّكَ إِلَيْهِ، عَجَزَتْ الْمَلَائِكَةُ عَنْهُ - مَعَ قُرْبِهِمْ مِنْ كِرَاسِي كِرَامَةِ اللَّهِ وَعَيْبِ مَلَكُوتِ قُدْرَتِهِ - أَنْ يَعْلَمُوا مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا مَا عَلَّمَهُمْ، وَهُمْ مِنْ مَلَكُوتِ الْعَرْشِ بِحَيْثُ هُمْ لِمَا فَطَرَهُمْ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ، فَقَالُوا: ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾.

فَعَلَيْكَ يَا عَبْدَ اللَّهِ! بِمَا دَلَّكَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ، وَمَا سَمِعْتَهُ مِنِّي مِنَ الْبَيَانِ، وَمَا كَلَّفَكَ إِيَّاهُ الشَّيْطَانُ، مِمَّا لَيْسَ عَلَيْكَ فِي الْكِتَابِ فَرَضُهُ، وَلَا فِي سُنَّةِ الرَّسُولِ أَثَرُهُ، فَكُلِّ عِلْمَهُ إِلَى اللَّهِ، وَاسْأَلْ عَمَّا يَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَسْأَلَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ بِسْؤَالِهِ» (قاضی نعمان، ۱۴۴۴ق: ۳۳۵-۳۳۸).

اسماعیل مجدوع، در آخر وصف کتاب، که به توصیف خطبه هشتم می‌رسد، به مختصر بودن شرح قاضی اشاره می‌کند و با عبارت «والله اعلم کم یکن باقیه» می‌کوشد نشان دهد که کتاب ناقص است و انتهای آن افتادگی دارد (مجدوع، ۱۳۴۴: ۱۱۲). همین نظر را در عبارت پایانی نسخه کتابخانه دولتی برلین (نک. تصویر ۲) می‌بینیم که کاتب

نوشته است: «قد تمّ الموجود من کتاب التوحید وهو یشتمل علی جزئین، ومن وجده فلیتمّمه» (قاضی نعمان، ۱۴۴۴ق: ۳۴۷). حدس کاتب هم این است که اثر، افتادگی دارد و توصیه می‌کند اگر کسی مابقی متن را یافت، آن را تکمیل کند. تردید کاتب نسخه‌تویینگن هم با عبارت «ولعل به تمّ الکتاب» (تصویر ۱) دیده می‌شود.

از آنجا که متنی به‌عنوان خاتمه کتاب از خود مؤلف در دست نیست، بی‌شک این نشان از افتادگی در انتهای متن دارد، اما این که «حجم این افتادگی چقدر است؟» روشن نیست. همین قدر می‌توان گفت که دو مطلب واضح است: نخست این که چون مطابق سبک شارح، ابتدا متن هر خطبه و سپس شرح بخش‌های منتخب آن آمده است، افتادگی از شرح خطبه بوده است و نه متن خطبه؛ و دوم این که با توجه به سبک مؤلف در گزینش بخش‌های محدودی از متن، بخش افتاده حجم زیادی نداشته است. مواردی که در خطبه هشتم با عباراتی خط‌کشی در زیر آن‌ها متمایز شده، تقریباً در هر بند از متن خطبه، حدود نیم سطر تا یک سطر است که شرح آن در بخش شرح خطبه آمده، و تنها در سه بند پایانی است که شرحی از هیچ عبارتی از آن سه بند، در نسخ باقی نمانده است. بر این اساس می‌توان حدس زد که دست‌کم سه سطر از آن سه بند شرح داده شده، و لذا میزان افتادگی حداکثر دو سه برگ بیشتر نبوده است. البته یافتن نسخ کهن‌تر و کامل‌تر از کتاب می‌تواند موضوع را روشن کند.

۵. بررسی مقایسه‌ای نهج‌البلاغه با «کتاب التوحید»

در این بخش و در قالب جدول‌هایی به مقایسه عباراتی از خطبه‌های ۱، ۶۴، ۸۹، ۹۰، ۱۰۷، ۱۸۳، ۱۸۵ و ۱۸۶ نهج‌البلاغه و نیز قصار ۳۵۶ این اثر ارجمند، با خطبه‌های کتاب التوحید قاضی نعمان مغربی می‌پردازیم تا میزان اشتراک و افتراق عبارات در این دو اثر روشن شود. ترتیب ارائه مطالب در جدول‌ها بر اساس نهج‌البلاغه است؛ به این صورت که عباراتی از نهج‌البلاغه که بیشترین موارد اشتراک را با عبارات کتاب التوحید دارند در ستون اول و سپس عبارات‌های مشابه آن از کتاب التوحید در ستون دوم آمده است. نقطه‌چین‌هایی که در ابتدا و انتهای هر عبارت آمده، نشان‌دهنده بخش غیرمشترک عبارات است. در برخی

موارد ممکن است عبارات مشترک از یک خطبه در نهج البلاغه، در چند خطبه از کتاب التوحید آمده باشد.^۱

خطبه ۱

خطبه ۱ نهج البلاغه	کتاب التوحید
ص ۶۸ [...] أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ وَ كَمَالُ التَّوْحِيدِ الإِخْلَاصُ لَهُ وَ كَمَالُ الإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ ...	خطبه ۱، ص ۸۸ [...] أَوَّلُ الدِّيَانَةِ لَهُ مَعْرِفَتُهُ وَ حَقِيقَةُ مَعْرِفَتِهِ تَوْحِيدُهُ، وَ نِظَامُ تَوْحِيدِهِ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ، بِشَهَادَةِ الْعُقُولِ الصَّافِيَةِ بِأَنَّ كُلَّ صِفَةٍ وَ مَوْصُوفٍ مَخْلُوقٌ، وَ شَهَادَةَ كُلِّ مَخْلُوقٍ أَنَّ لَهُ خَالِقًا لَيْسَ بِصِفَةٍ وَلَا مَوْصُوفٍ، وَ شَهَادَةَ كُلِّ صِفَةٍ وَ مَوْصُوفٍ بِالِاقْتِرَانِ، وَ [...]
ص ۶۹ وَ مَنْ ثَنَاهُ فَقَدْ جَزَّاهُ وَ مَنْ جَزَّاهُ فَقَدْ جَهِلَهُ وَ مَنْ أَشَارَ إِلَيْهِ فَقَدْ حَدَّه [...]	خطبه ۱، ص ۸۹ وَ مَنْ بَعَّضَهُ فَقَدْ جَزَّاهُ، وَ مَنْ جَزَّاهُ فَقَدْ عَدَلَ عَنْهُ.
ص ۷۰ الْهَوَاءُ مِنْ تَحْتِهَا فِتْيٌ وَ الْمَاءُ مِنْ فَوْقِهَا دَفِيقٌ [...]	خطبه ۵، ص ۲۸۵ فَالْهَوَاءُ مِنْ فَوْقِهِ فِتْيٌ، وَ الرِّيحُ مِنْ تَحْتِهِ خَرِيْقٌ، وَ الْمَاءُ بَيْنَ ذَلِكَ مُضْطَرِبٌ دَفِيقٌ.
ص ۷۱ وَ عَصَفَتْ بِهِ عَصْفَهَا بِالْفَضَاءِ تَرْدُ أَوْلَاهُ عَلَى آخِرِهِ وَ سَاجِيَهُ عَلَى مَآئِرِهِ حَتَّى عَبَّ عِبَابُهُ وَ رَمَى بِالرَّبْدِ رُكَامُهُ فَرَفَعَهُ فِي هَوَاءٍ مُنْفَتِحٍ وَ جَوٍّ مُنْفَتِحٍ [...]	خطبه ۵، ص ۲۸۵ وَ عَصَفَتْ عَصْفَهَا عَلَيْهِ، فَزَدَتْ أَوْلَاهُ عَلَى آخِرِهِ، وَ سَاكِنَهُ عَلَى زَاخِرِهِ، وَ سَاجِيَهُ عَلَى طَائِرِهِ، حَتَّى صَارَ رُبْدًا رُكَامًا فَدَحَاهُ أَرْضًا، وَ رَفَعَ الدُّخَانَ السَّامِيَّ مِنَ الْبَحْرِ النَّامِيِّ فِي هَوَاءٍ مُنْفَتِحٍ، وَ جَوٍّ مُنْخَرِقٍ، [...]

۱. در این پژوهش از متن نهج البلاغه به تصحیح استاد قیس العطار استفاده شده که بر اساس نسخی مبتنی بر ضبط علی بن سکون حلّی، ادیب بزرگ شیعه در قرن ششم هجری، فراهم آمده است (نک. منابع: نهج البلاغه، ۱۴۳۶ق).

بخش‌هایی از خطبه اول نهج‌البلاغه به صورت پراکنده در خطبه‌های ۱ و ۵ کتاب التوحید آمده است. در این جا برخی عبارات‌ها عیناً در دو کتاب یکی است؛ اما در موارد اختلافی به لحاظ معنایی و مفهومی مشابهت و مطابقت دارند.

خطبه ۶۴

خطبه ۶۴ نهج‌البلاغه	خطبه ۶ کتاب التوحید
ص ۱۶۲ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَسْبِقْ لَهُ حَالٌ حَالًا فَيَكُونُ أَوْلَا قَبْلَ أَنْ يَكُونَ آخِرًا وَ يَكُونُ ظَاهِرًا قَبْلَ أَنْ يَكُونَ بَاطِنًا كُلُّ مُسَمًّى بِالْوَحْدَةِ غَيْرُهُ قَلِيلٌ وَ كُلُّ عَزِيزٍ غَيْرُهُ ذَلِيلٌ وَ كُلُّ قَوِيٍّ غَيْرُهُ ضَعِيفٌ وَ كُلُّ مَالِكٍ غَيْرُهُ مَمْلُوكٌ وَ كُلُّ عَالِمٍ غَيْرُهُ مُتَعَلِّمٌ وَ كُلُّ قَادِرٍ غَيْرُهُ يُقَدَّرُ وَ يَعْجَزُ وَ كُلُّ سَمِيعٍ غَيْرُهُ يَصْمُ عَنْ ص ۱۶۳ لَطِيفِ الْأَصْوَاتِ وَ يُصَمُّ كَبِيرَهَا [...]] وَ كُلُّ بَصِيرٍ غَيْرُهُ يَعْمَى عَنْ خَفِيِّ الْأَلْوَانِ وَ لَطِيفِ الْأَجْسَامِ وَ كُلُّ ظَاهِرٍ غَيْرُهُ غَيْرٌ بَاطِنٌ وَ كُلُّ بَاطِنٍ غَيْرُهُ غَيْرٌ ظَاهِرٌ لَمْ يَخْلُقْ مَا خَلَقَهُ لِتَشْدِيدِ سُلْطَانِ وَ لَا تَخَوْفٍ مِنْ عَوَاقِبِ زَمَانٍ وَ لَا اسْتِعَانَةَ عَلَى نِدِّ مُتَاوِرٍ وَ لَا شَرِيكَ مُكَاتِرٍ لَا ضِدَّ مُنَافِرٍ وَ لَكِنْ خَلَائِقٌ مَرْبُوبُونَ	ص ۳۰۳ الْحَمْدُ لِلَّهِ [...] الَّذِي لَمْ يَسْبِقْ لَهُ حَالٌ حَالًا، فَيَكُونُ أَوْلَا قَبْلَ أَنْ يَكُونَ آخِرًا، وَ يَكُونُ ظَاهِرًا قَبْلَ أَنْ يَكُونَ بَاطِنًا، [...]] وَ كُلُّ مُسَمًّى بِالْوَحْدَةِ غَيْرُهُ كَثِيرٌ، وَ كُلُّ عَزِيزٍ دُونَهُ ذَلِيلٌ، وَ كُلُّ قَوِيٍّ سِوَاهُ ضَعِيفٌ، وَ كُلُّ مَالِكٍ غَيْرُهُ مَمْلُوكٌ، وَ كُلُّ عَالِمٍ غَيْرُهُ مُتَعَلِّمٌ، وَ كُلُّ سَمِيعٍ غَيْرُهُ يَصْمُ عَنْ لَطِيفِ الْأَصْوَاتِ وَ تَصْمُهُ كَبِيرَهَا، وَ كُلُّ بَصِيرٍ غَيْرُهُ يَعْمَى عَنْ خَفِيِّ الْأَلْوَانِ وَ لَطِيفِ الْأَجْسَامِ، [...]] وَ كُلُّ ظَاهِرٍ غَيْرُهُ غَيْرٌ بَاطِنٌ، وَ كُلُّ بَاطِنٍ غَيْرُهُ ظَاهِرٌ، [...]] لَمْ يَكُونْهَا لِتَشْدِيدِ سُلْطَانِ، وَ لَا لَخَوْفٍ مِنْ زَوَالِ، وَ لَا اسْتِعَانَةَ عَلَى ضِدِّ مُكَابِرِ، وَ لَا نِدِّ مُبَايِنِ،

وَعِبَادٌ دَاخِرُونَ [...]] لَمْ يُوْذِهِ خَلْقٌ مَّا اِبْتَدَا [...]] بَلْ قَصَاءٌ مُّتَقِنٌ وَعِلْمٌ مُّحْكَمٌ وَ اَمْرٌ مُّبْرَمٌ	وَلَكِنْ خَلَائِقٌ مَّرْبُوبُونَ وَعِبَادٌ دَاخِرُونَ. لَمْ يَأْذُهُ خَلْقٌ مِّنْ اِبْتِدَاءٍ، [...]] بَلْ قَصَاءٌ مُّتَقِنٌ وَعِلْمٌ مُّحْكَمٌ وَ اَمْرٌ مُّبْرَمٌ [...]]
--	---

بیشتر عبارات‌های خطبه ۶۴ نهج البلاغه در خطبه ۶ کتاب التوحید آمده است، با این تفاوت که خطبه ۶ کتاب التوحید عبارات اضافه‌تری نسبت به خطبه ۶۴ نهج البلاغه دارد. با این‌که برخی از کلمات در دو کتاب متفاوتند، اما به‌لحاظ معنایی قرابت دارند.

خطبه ۸۹

خطبه ۸۹ نهج البلاغه	خطبه ۸ کتاب التوحید
ص ۲۰۳ [...]] وَ السَّمْسُ وَالْقَمَرُ دَانِيَانِ فِي مَرْصَاتِهِ يُبْلِيَانِ كُلَّ جَدِيدٍ وَيُقَرِّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ	ص ۳۳۶ [...]] وَجَعَلَ السَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَتَيْنِ تَخْتَلِفَانِ، تُبْلِيَانِ كُلَّ جَدِيدٍ وَتُقَرِّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ [...]]
قسم ارزاقهم وَ أَحْصَى آثَارَهُمْ وَ أَعْمَالَهُمْ وَ عَدَدَ أَنْفُسِهِمْ وَ خَائِنَةَ أَعْيُنِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ مِنَ الضَّمِيرِ وَ مُسْتَفْرَّهُمْ وَ مُسْتَوْدَعَهُمْ مِنَ الْأَرْحَامِ [...]]	ص ۳۳۷ [...]] أَحْصَى آثَارَهُمْ، وَقَدَّرَ أَعْمَارَهُمْ، وَعَلَّمَ أَلْفَاظَهُمْ، وَعَدَدَ أَنْفُسَهُمْ وَ خَائِنَةَ أَعْيُنِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ وَ مُسْتَفْرَّهُمْ وَ مُسْتَوْدَعَهُمْ، [...]]

عبارات اندکی از خطبه ۸۹ نهج البلاغه در خطبه ۸ کتاب التوحید آمده است. ضماین اندکی متفاوت هستند و اختلافات و تصحیفاتی میان کلمات دو متن دیده می‌شود.

خطبه ۹۰

خطبه ۹۰ نهج البلاغه	خطبه ۸ کتاب التوحید
ص ۲۰۵ رَوَى مَسْعَدَةُ بْنُ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ	ص ۳۳۵ وهذا أيضاً توحيد لأمير المؤمنين علي - صلوات

<p>الله علیه - روى عنه - عليه السلام - أن رجلاً أتاه، فقال له: يا أمير المؤمنين! هل تصف لنا ربنا؟ فتغير وجهه - عليه السلام - ، ثم قام فرقى المنبر، فقال: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُعْوِزُهُ الْمَنَعُ، وَلَا يُكْدِيهِ الْإِعْطَاءُ، هُوَ الْعَوَّادُ بِعَوَائِدِ النَّعْمِ وَمَوَادُّ الْمَزِيدِ، قَدْ ضَمِنَ أَقْوَاتَ الْخَلْقِ، وَقَسَمَ مَقَادِيرَ الرِّزْقِ،</p>	<p>مُحَمَّدٍ (عليهما السلام) أَنَّهُ قَالَ خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بِهِذِهِ الْخُطْبَةِ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ وَ ذَلِكَ أَنَّ رَجُلًا أَتَاهُ فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لَنَا رَبَّنَا لِزِدَادِ لَهُ حُبًّا وَ بِهِ مَعْرِفَةً فَغَضِبَ (عليه السلام) وَ نَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً فَاجْتَمَعَ النَّاسُ حَتَّى غَصَّ الْمَسْجِدُ بِأَهْلِهِ فَصَعِدَ الْمِنْبَرَ وَ هُوَ مُغْضَبٌ مُتَغَيِّرُ اللَّوْنِ فَحَمِدَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) ثُمَّ قَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْرُهُ الْمَنَعُ وَ لَا يُكْدِيهِ الْإِعْطَاءُ وَ الْجُودُ إِذْ كُلُّ مُعْطٍ مُنْتَقِصٌ سِوَاهُ وَ كُلُّ مَانِعٍ مَذْمُومٌ مَا خَلَاهُ وَ هُوَ الْمَتَّانُ بِقَوَائِدِ النَّعْمِ وَ عَوَائِدِ الْمَزِيدِ وَ الْقَسَمَ [...]</p>
<p>ص ۲۰۶ لَيْسَ بِمَا سُئِلَ فِيهِ بِأَجْوَدَ مِنْهُ بِمَا لَمْ يُسْأَلْ عَنْهُ، وَ هَبَّ لِإِعْبَادِهِ مِمَّا تَنَفَّسَتْ عَنْهُ مَعَادِنُ الْجِبَالِ، وَ صَحِكَتْ عَنْهُ أَصْدَافُ الْبِحَارِ مِنْ فِلِزِّ اللَّجَيْنِ وَ الْعِيقَانِ، وَ نِثَارَةُ الدَّرِّ وَ حَصِيدِ الْمَرْجَانِ، مَا لَمْ يُؤَثِّرْ فِيهِ وَجُودِهِ وَ لَا نَقَصَ مِنْ سَعَةِ مَا عِنْدَهُ، بَلْ عِنْدَهُ مِنْ ذَخَائِرِ الْإِفْضَالِ مَا لَا تُنْفِدُهُ مَطَالِبُ السُّؤَالِ [...]</p>	<p>[...] وَ لَيْسَ بِمَا سُئِلَ بِأَجْوَدَ مِنْهُ بِمَا لَمْ يُسْأَلْ [...]] وَ لَوْ وَهَبَ مَا تَنَفَّسَتْ عَنْهُ مَعَادِنُ الْجِبَالِ وَ صَحِكَتْ عَنْهُ أَصْدَافُ الْبِحَارِ مِنْ فِلِزِّ اللَّجَيْنِ وَ الْعِيقَانِ وَ نِثَارَةُ الدَّرِّ وَ حَصِيدِ الْمَرْجَانِ مَا أَثَّرَ ذَلِكَ فِيهِ جُودِهِ وَ لَا أَنْفَدَ سَعَةَ مَا عِنْدَهُ وَ لَكَانَ عِنْدَهُ مِنْ ذَخَائِرِ الْإِنْعَامِ مَا لَا تُنْفِدُهُ مَطَالِبُ الْأَنْامِ [...]] فَانظُرْ أَيُّهَا السَّائِلُ</p>
<p>ص ۳۳۸ بِمَا ذَلِكَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ، وَمَا سَمِعْتَهُ مِنِّي مِنَ الْبَيَانِ،</p>	<p>فَمَا ذَلِكَ الْقُرْآنُ عَلَيْهِ مِنْ صِفَتِهِ فَانْتَمَّ بِهِ</p>

<p>وَمَا كَلَّفَكَ إِيَّاهُ الشَّيْطَانُ، مِمَّا لَيْسَ عَلَيْكَ فِي الْكِتَابِ فَرَضُهُ، وَلَا فِي سُنَّةِ الرَّسُولِ أَثَرُهُ، فَكُلِّ عِلْمَهُ إِلَى اللَّهِ، وَاسْأَلْ عَمَّا يَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَسْأَلَ عَنْهُ مِنْ أَمْرٍ بِسْؤَالِهِ».</p>	<p>وَاسْتَضَى بُنُورَ هِدَايَتِهِ وَ مَا كَلَّفَكَ الشَّيْطَانُ عِلْمَهُ مِمَّا لَيْسَ فِي الْكِتَابِ عَلَيْكَ فَرَضُهُ وَ لَا فِي سُنَّةِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) وَ أَيْمَّةِ الْهُدَى أَثَرُهُ فَكُلِّ عِلْمَهُ إِلَى اللَّهِ [...] .</p>
--	--

بیشتر عبارات خطبه ۹۰ نهج البلاغه در خطبه ۸ کتاب التوحید آمده است. تفاوت‌هایی در عبارات مشاهده می‌شود. برای نمونه، قسمت ابتدایی هر دو خطبه، با وجود معنا و مفهوم تقریباً یکسان، الفاظ متفاوتی دارند. این بخش در خطبه ۹۰ نهج البلاغه با تفصیل و توضیح بیشتری آمده است. در متن نهج البلاغه شخص سؤال‌کننده با عبارت «أیها السائل» خطاب شده، ولی در کتاب التوحید با تعبیر «یا عبدالله». در متن نهج البلاغه تعبیر «أئمة الهدی» وجود دارد اما در کتاب التوحید چنین چیزی نیست. با آنکه در برخی کلمات اختلافاتی جزئی باهم دارند، اما خطبه ۹۰، نسبت به سایر خطبه‌ها، بیشترین مشترکات را با کتاب التوحید دارد.

خطبه ۱۰۷

خطبه ۵ کتاب التوحید	خطبه ۱۰۷ نهج البلاغه
<p>ص ۲۸۱ [...] الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ مِنْ غَيْرِ رَوِيَّةٍ، [...]</p>	<p>ص ۲۵۳ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلِّي لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ وَ الظَّاهِرِ لِقُلُوبِهِمْ بِحُجَّتِهِ خَلَقَ الْخَلْقَ ص ۲۵۴ مِنْ غَيْرِ رَوِيَّةٍ إِذْ كَانَتْ الرُّوِيَّاتُ لَا تَلِيْقُ إِلَّا بِذَوِي الضَّمَائِرِ، وَلَيْسَ رُبُّنَا بِذِي ضَمِيرٍ تَلِيْقُ بِهِ الرُّوِيَّةُ، [...]</p>

کلمات و عبارات اندکی از خطبه ۱۰۷ نهج البلاغه را در خطبه ۵ کتاب التوحید می‌توان ردیابی کرد.

خطبه ۱۸۳

خطبه ۸ کتاب التوحید	خطبه ۱۸۳ نهج البلاغه
ص ۳۳۵ خَلَقَ الْخَلْقَ بِحِكْمَتِهِ، وَاسْتَعْبَدَ	ص ۴۰۹ خَلَقَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ
ص ۳۳۶ الْأَرْبَابَ بِعِزَّتِهِ،	وَاسْتَعْبَدَ الْأَرْبَابَ بِعِزَّتِهِ
وَسَادَ الْعُظَمَاءَ بِعَظَمَتِهِ، [...]	وَسَادَ الْعُظَمَاءَ بِجُودِهِ
وَسَكَنَ الدُّنْيَا خَلْقَهُ وَبَعَثَ إِلَيْهِمْ فِيهَا رُسُلَهُ؛	وَ هُوَ الَّذِي أَسْكَنَ الدُّنْيَا خَلْقَهُ وَ بَعَثَ إِلَى الْجِنِّ وَ
لِيَكْشِفُوا لَهُمْ عَن غِطَائِهَا، وَيَحْلِزُوا لَهُمْ	الْإِنْسِ رُسُلَهُ لِيَكْشِفُوا لَهُمْ عَن غِطَائِهَا وَ لِيَحْلِزُوا لَهُمْ مِنْ
فَنَائِهَا،	ضُرَائِهَا
وَيَضْرِبُوا لَهُمْ أَمْثَالَهَا،	وَ لِيَضْرِبُوا لَهُمْ أَمْثَالَهَا
وَيُبَصِّرُوا لَهُمْ عُيُوبَهَا، وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ	وَ لِيُبَصِّرُوا لَهُمْ عُيُوبَهَا وَ لِيَهْجُمُوا عَلَيْهِمْ بِمُعْتَبَرٍ
بِحُجَّتِهِ [...]	مِنْ تَصَرُّفٍ مَّصَاحِّهَا وَ أَشْقَامِهَا [...]

عباراتی از خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه در خطبه ۸ کتاب التوحید آمده است. مانند خطبه‌های قبل برخی کلمات و عبارات متفاوتند و تصحیفاتی رخ داده است.

خطبه ۱۸۵

خطبه ۳ کتاب التوحید	خطبه ۱۸۵ نهج البلاغه
ص ۲۳۵ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تُدْرِكُهُ الشَّوَاهِدُ، وَلَا تَحْوِيهِ	ص ۴۱۵ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تُدْرِكُهُ الشَّوَاهِدُ وَ لَا تَحْوِيهِ
الْمَشَاهِدُ وَ لَا تَرَاهُ النَّوَاطِرُ، وَلَا تَحْجُبُهُ السَّوَاتِرُ، [...]	الْمَشَاهِدُ وَ لَا تَرَاهُ النَّوَاطِرُ وَ لَا تَحْجُبُهُ السَّوَاتِرُ [...]
وَصَدَقَ فِي مِيعَادِهِ، وَارْتَفَعَ عَن ظُلْمِ عِبَادِهِ، وَقَامَ	صَدَقَ فِي مِيعَادِهِ وَ ارْتَفَعَ عَن ظُلْمِ عِبَادِهِ وَ قَامَ
بِالْقِسْطِ فِي خَلْقِهِ، وَعَدَلَ عَلَيْهِمْ فِي حُكْمِهِ [...]	بِالْقِسْطِ فِي خَلْقِهِ وَ عَدَلَ عَلَيْهِمْ فِي حُكْمِهِ [...]

تنها دو عبارت از خطبه ۱۸۵ در خطبه ۳ کتاب التوحید آمده است.

خطبه ۱۸۶

خطبه ۱۸۶ نهج البلاغه	کتاب التوحید
ص ۴۲۰ [...] وَلَا إِيَّاهُ عَنَى مَنْ شَبَّهَهُ وَلَا صَمَدَهُ مَنْ أَشَارَ إِلَيْهِ [...]]	خطبه ۱، ص ۲۷۶ وَلَا صَمَدَهُ مَنْ أَشَارَ إِلَيْهِ، وَلَا إِيَّاهُ عَنَى مَنْ شَبَّهَهُ [...]
ص ۴۲۰ فَاعِلٌ لَا بِاضْطِرَابٍ [...]] لَا تَصْحَبُهُ الْأَوْقَاتُ وَلَا تَرْفُدُهُ الْأَدْوَاتُ سَبَقَ الْأَوْقَاتَ كَوْنُهُ وَالْعَدَمَ وُجُودُهُ وَالْإِبْتِدَاءَ أَرْزُلُهُ بِشَعْبِيرِهِ الْمَشَاعِرَ عَرَفَ أَنْ لَا مَشْعَرَ لَهُ وَبِمُضَادَّتِهِ بَيَّنَّ الْأُمُورَ عَرَفَ أَنْ لَا ضِدَّ لَهُ وَبِمُقَارَنَتِهِ بَيَّنَّ الْأَشْيَاءَ عَرَفَ أَنْ لَا قَرِينَ لَهُ ص ۴۲۱ صَادَّ الثُّورَ بِالظُّلْمَةِ وَالْوُضُوحَ بِالْبُهْمَةِ وَالْجُمُودَ بِالْبَلْبَلِ وَالْحَرُورَ بِالصَّرْدِ مُؤَلَّفٌ بَيْنَ مُتَعَادِيَاتِهَا مُقَارِنٌ بَيْنَ مُتَبَايِنَاتِهَا مُقَرَّبٌ بَيْنَ مُتَبَاعِدَاتِهَا مُفَرَّقٌ بَيْنَ مُتَدَانِيَاتِهَا [...]	خطبه ۱، ص ۲۷۵ فَاعِلٌ لَا بِاضْطِرَابٍ، [...]] تَصْحَبُهُ الْأَوْقَاتُ، [...]] وَلَا تُفِيدُهُ الْأَدْوَاتُ، سَبَقَ الْأَوْقَاتَ كَوْنُهُ، وَالْعَدَمَ وُجُودُهُ، وَالْإِبْتِدَاءَ أَرْزُلُهُ. بِشَعْبِيرِهِ الْمَشَاعِرَ عَرَفَ أَلَّا مَشْعَرَ لَهُ، [...]] وَبِمُضَادَّتِهِ بَيَّنَّ الْأُمُورَ عَلِمَ أَلَّا ضِدَّ لَهُ، وَبِمُقَارَنَتِهِ بَيَّنَّ الْأَشْيَاءَ عَلِمَ أَلَّا قَرِينَ لَهُ. ص ۲۷۶ صَادَّ الثُّورَ بِالظُّلْمَةِ، وَالْجَلَاءَ بِالْبُهْمَةِ، وَالْخُشُونَةَ بِاللَّيْنِ، وَالصَّرْدَ بِالْحَرُورِ، مُؤَلَّفًا بَيْنَ مُتَعَادِيَاتِهَا، مُقَارِنًا بَيْنَ مُتَبَايِنَاتِهَا، [...]]
ص ۴۲۲ [...] جَلَّ عَنِ اتِّخَاذِ الْأَبْنَاءِ وَطَهَّرَ عَنِ مَلَامَسَةِ النِّسَاءِ النِّسَاءِ	خطبه ۶، ص ۳۰۵ [...] وَعَلَا عَنِ اتِّخَاذِ الْأَوْلَادِ، وَطَهَّرَ عَنِ مَلَامَسَةِ النِّسَاءِ

قسمتی از خطبه ۱۸۶ نهج البلاغه مشابه خطبه ۱ کتاب التوحید است. عبارات بسیار شبیه به هم هستند و اندکی تغییر و تصحیف نیز در عبارات به چشم می خورد. تنها یک عبارت از خطبه ۱۸۶ در خطبه ۶ کتاب التوحید نیز آمده است.

قصار ۳۵۶

خطبه ۱ کتاب التوحید	قصار ۳۵۶ نهج‌البلاغه
<p>ص ۹۵ [...] أَيُّهَا النَّاسُ! مَتَاعُ الدُّنْيَا حُطَامٌ، وَتُرَائِهَا رِمَامٌ، وَبُلْعَتُهَا أَنْمَى وَقُلْعَتُهَا أَرْكَى، حُكْمٌ بِالْفَاقَةِ عَلَى مُكْثَرِهَا، وَأُعِينِ بِالرَّاحَةِ عَلَى مَنْ رَغِبَ عَنْهَا، مَنْ رَاقَهُ رَوَاءُهَا</p>	<p>ص ۷۸۶ وَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَيُّهَا النَّاسُ مَتَاعُ الدُّنْيَا حُطَامٌ مُوَبِّئٌ فَتَجَبَّبُوا مَرْعَاةً قُلْعَتُهَا أَحْطَى مِنْ طُمَأْنِينَتِهَا وَبُلْعَتُهَا أَرْكَى مِنْ تُرْوَتِهَا حُكْمٌ عَلَى مُكْثَرِهَا بِالْفَاقَةِ وَأُعِينِ مَنْ غَنِيَ عَنْهَا بِالرَّاحَةِ وَمَنْ رَاقَهُ زِبْرَجُهَا</p>
<p>ص ۹۶ أَعَقَبَتْ نَاطِرِيهِ كَمَهَا، وَمَنْ اسْتَبَسَّعَ دَوَاهَا مَلَأَتْ قَلْبَهُ أَشْجَانًا. لَهْنٌ رَقِصٌ فِي سُوَيْدَا قَلْبِهِ كَرَقِصِ الْوَقْدَةِ عَلَى أَعْرَاضِ الْمِدْرَجَةِ، هَمٌّ يَغْمُرُهُ وَهَمٌّ يُشْعِرُهُ، حَتَّى يُؤْخَذَ بِكُظْمِهِ، وَيَنْقَطِعَ أَبْهَرَاهُ، وَيُسَلَبَ مِنْتَهُ، وَيَلْقَى هَامَتَهُ بِالْفَضَاءِ طَرِيحًا، هَيِّنًا عَلَى اللَّهِ مَدَاهُ، وَعَلَى الْأَبْرَارِ مُلْقَاهُ.</p>	<p>ص ۷۸۷ أَعَقَبَتْ نَاطِرِيهِ كَمَهَا وَمَنْ اسْتَشَعَرَ الشَّعْفَ بِهَا مَلَأَتْ صَمِيرَهُ أَشْجَانًا لَهْنٌ رَقِصٌ عَلَى سُوَيْدَاءِ قَلْبِهِ هَمٌّ يَسْغُلُهُ وَهَمٌّ يَحْزَنُهُ كَذَلِكَ حَتَّى يُؤْخَذَ بِكُظْمِهِ فَيَلْقَى بِالْفَضَاءِ مُنْقَطِعًا أَبْهَرَاهُ هَيِّنًا عَلَى اللَّهِ فَنَاؤُهُ وَعَلَى الْإِخْوَانِ الْفَاؤُهُ</p>
<p>وَأِنَّمَا يُنْظَرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ، وَيَقْتَاتُ مِنْهَا بِبَطْنِ الْإِضْطِرَارِ وَيَسْمَعُ فِيهَا بِأُذُنِ الْمَقْتِ، لَا كَمَنْ إِذَا قِيلَ: «أَثْرَى» قِيلَ: «أَكْدَى»، [...] هَذَا وَلَمْ يَأْتِ يَوْمٌ فِيهِ يُبْلَسُونَ [...]</p>	<p>وَأِنَّمَا يُنْظَرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ وَيَقْتَاتُ مِنْهَا بِبَطْنِ الْإِضْطِرَارِ وَيَسْمَعُ فِيهَا بِأُذُنِ الْمَقْتِ وَ الْإِبْغَاضِ إِنْ قِيلَ أَثْرَى قِيلَ أَكْدَى [...] هَذَا وَلَمْ يَأْتِ يَوْمٌ فِيهِ يُبْلَسُونَ.</p>

قصار شماره ۳۵۹ نهج‌البلاغه، تقریباً به‌طور کامل در قسمتی از خطبه ۱ کتاب التوحید آمده

است. کلمات، در عین تصحیفات جزئی، بسیار شبیه به هم هستند.

در جدول زیر که خلاصه جداول قبل است، خطبه‌های کتاب التوحید با خطبه‌های

نهج‌البلاغه مقایسه شده است:

ردیف	کتاب التوحید	نهج البلاغه
۱.	خطبه ۱	خطبه‌های ۱ و ۱۸۶ و قصار ۳۵۹
۲.	خطبه ۲	-
۳.	خطبه ۳	خطبه ۱۸۵
۴.	خطبه ۴	خطبه ۱۵۵
۵.	خطبه ۵	خطبه‌های ۱ و ۱۰۷
۶.	خطبه ۶	خطبه‌های ۶۴ و ۱۸۶
۷.	خطبه ۷	-
۸.	خطبه ۸	خطبه‌های ۸۹، ۹۰، ۱۸۳

نتیجه‌گیری

ابوحنیفه محمد بن نعمان (د. ۳۶۳ق)، معروف به قاضی نعمان مغربی، در اثری با عنوان کتاب التوحید، که به تازگی تصحیح و منتشر شده، هشت خطبه از خطبه‌های توحیدی امیرالمؤمنین^(ع) را همراه با شرح برخی از عبارات آن آورده است. عبارات یا تعابیر مشترکی در کتاب التوحید با نهج البلاغه به صورت پراکنده آمده است ولی در برخی مواضع افتراقاتی با یکدیگر دارند. دو خطبه از هشت خطبه کتاب التوحید در نهج البلاغه یافت نشد و سایر خطبه‌های کتاب مشترکات زیادی با خطبه‌های نهج البلاغه دارند. البته معلوم نیست که آیا سید رضی به این کتاب دسترسی داشته یا نه، و با توجه به این که دو خطبه از این کتاب در نهج البلاغه نیامده و تنها بخش‌هایی از خطبه‌های دیگر در نهج البلاغه مشهود است، می‌توان گفت که احتمالاً کتاب التوحید منبع مستقیم سید رضی نبوده است. به دلیل شباهت‌های قابل توجه دو کتاب، قاضی نعمان و سید رضی احتمالاً از منبع مشترکی متأثر

بوده‌اند. مقایسه خطبه‌های کتاب التوحید با خطبه‌های نهج البلاغه نشان می‌دهد که عبارات متعددی از این متن در یک یا چند جای نهج البلاغه آمده است، و لذا در مطالعات جدید می‌توان کتاب التوحید قاضی نعمان را به مثابه یکی از مصادر نهج البلاغه مورد توجه قرار داد و بر اساس آن بخش‌های ساقط شده از نهج البلاغه را تکمیل کرد.



تصویر ۱: برگ پایانی نسخه دانشگاه توپینگن آلمان، به شماره Ma VI 303



تصویر ٢: برگ پایانی نسخه کتابخانه دولتی برلین، به شماره Ms. or. oct. 2958

منابع

- ابن تغری بردی، یوسف بن تغری بردی (بی تا). النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة. القاهرة: وزارة الثقافة والإرشاد القومي - دار الكتب.
- ابن خلكان، احمد بن محمد (١٩٩٤م). وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان. تحقيق: احسان عباس. بيروت: دار صادر.

- ابن شهر آشوب مازندرانی (۱۴۳۳ق). معالم العلماء. تحقیق: سید محمدرضا حسینی جلالی. کربلاء: مکتبه دار علوم القرآن - بیروت: دار المحجة البيضاء.
- پوناوالا، اسماعیل ق. (۱۴۰۱ق). «سیر تاریخی آثار قاضی نعمان (بخش نخست)». ترجمه محمد عافی خراسانی. میراث شهاب، س ۲۸، ش ۱۰۷: ۳-۴۵.
- جوان آراسته، امیر (۱۳۸۷). «قاضی نعمان و مذهب او». هفت آسمان، ش ۹: ۴۷-۸۲.
- عافی خراسانی، محمد (۱۴۰۰). «سیر تاریخی توجه عالمان امامیه به آثار قاضی نعمان با تأکید بر روزگار پیش از صفویه». س ۱۷، ش ۴: ۲۳-۴۶.
- غفوری، محمد مهدی. مقدمه - قاضی نعمان (۱۴۴۴ق/۲۰۲۳م).
- فیضی، آصف بن علی اصغر فیضی. مقدمه - قاضی نعمان (۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م).
- قاضی نعمان، نعمان بن محمد (۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م). دعائم الإسلام. تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی. مصر: دار المعارف.
- _____ (۱۴۴۴ق/۲۰۲۳م). کتاب التوحید. تحقیق: محمد مهدی غفوری (شم‌آبادی). بیروت: اعلمی.
- مجدوع، اسماعیل بن عبدالرسول (۱۳۴۴ش/۱۹۶۶م). فهرسة الكتب والرسائل ولمن هی من العلماء والأئمة والحدود الأفاضل للمجدوع. تحقیق: علینقی منزوی. تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
- نهج البلاغة (۱۴۳۶ق). گردآورنده: محمد بن حسین شریف رضی. مع ضبط علی بن محمد بن السکون. به کوشش قیس بهجت العطار. نجف و مشهد: العتبة العلویة المقدسة و المکتبة المتخصصة بأمیر المؤمنین علی علیه السلام. مطالعات فرسکی.
- Ivanow, W. (1933). *A guide to Ismaili literature*. London: Royal Asiatic Society.
- _____ (1963). *Ismaili Literature: A Bibliographical Survey (a second amplified edition of "A Guide to Ismaili Literature", London, 1933)*, Tehran: Tehran University Press.
- Kraus, Paul (1932). "La bibliographie Ismaélienne de W. Ivanow", *Revue des Études Islamiques*, No. 6: 483-490.
- Poonawala, Ismail. K (1977). *Biobibliography of Isma'ili Literature*. Malibu: Undena.

Mirror of Heritage

(Ayene-ye Miras)



Semiannual Journal of Literary and Textological Studies

New Series, Vol. 21, Issue No. 1 (72), 2023

